



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۰۷ جون ۲۰۲۲

حمید انوری

باشندگان هرات از افزایش سگ های ولگرد (دیدو) نگران اند

این گزارش یا خبر را سایت "پژواک" به نشر رسانده است که حاکی از وحشت و ترس مردم هرات از افزایش سگان ولگرد یا (دیدو) است.

این کمترین به چند و چون و چرا و اما و مگر و باید و شاید آن کاری ندارم، چون خارج از معلومات و صلاحیت من است، اما یک سوال خواهی نخواهی در مورد می تواند مطرح گردد و آنهم اینکه نظر به تجربیات و چشم دیدهها در ازمنه های دور، سگان دیدو در شهر و بازار و پُل و پلوان، با کسی کاری نداشتند، مگر اینکه چند طفل مردم آزار و شقب سنگ و چوبی برداشته به جان آنها می افتادند و تعدادی را هم ریسمان های کلفت به کردن انداخته و از دنبال خود می کشاندند و...، اما در این روزگار و این عصر و زمانه شاید سگان کوچه گرد و بی صاحب (دیدو) از فرط گرسنگی گوشت آدم، خورده و در نتیجه دیوانه شده باشند که در افغانستان بعد از کودتای ننگین ثور و بعد از مرحله نوین آن (تجاوز روسیه به افغانستان)، گوشت آدم چه ارزان را گذاشته که چه مفت و رایگان گردید که سر هر چهار راه و کنج و کنار هر خیابان و کوچه و پسکوچه و جوی و جویچه، جسد سوراخ سوراخ شده یک انسان و یک آدم و یک هموطن افتاده بود که کسی حتی جرئت و فرصت برداشتن آنها را از روی زمین نداشت و در نتیجه خوراک همین سگ های کوچه گرد می گردیدند. و اما آن زمان که جنایت پیشگان هفتم ثوری با ارازل هشتم ثوری وصلت کردند و باهمدیگر به حمله رفتند، وضعیت مردم شریف و نجیب افغان زمین از آنها بد و بدتر گردید و دمار از روزگار مردم مظلوم افغانستان بدر آوردند، وضع را طوری عیار نمودند که در هر کنج و کنار و در هر کشتزار و در هر دفتر و دیوان و هر گوشه بیابان و سر هر چهار راه و راه و بی راهه و...، نه تنها بیشمار جسد انسان افتاده بود، بلکه بیشمار گوش بریده، بینی بریده، دست و پای بریده، چشمی از

حذقه درآورده، دل و گرده و روده انسان، چنان به وفرت افتاده بود که حتی در دکان های قصابان شهر نیز چنان وفرطی دیده نشده بود و چنان بود که سگان کوچه گرد را یک مهمانی بزرگ در سرتاسر کشور مهیا گشته بود که آن سگان مظلوم و از دنیا بیخبر، به غیر از گوشت و استخوان و دل و روده و گرده آدم، به هیچ غذای دیگر رغبت نداشتند.
به گفته شاعر:

چه کسی می گوید که گرانی شده است؟

دوره ارزانی است

دل ربودن ارزان، دل شکستن ارزان

دوستی ارزان است، دشمنی ها ارزان

چه شرافت ارزان

تن عریان ارزان، آبرو قیمت یک تکه نان

و چه تخفیف بزرگی خورده قیمت هر انسان!

در سرزمین من و تو هموطن! صحبت از تخفیف نبود، صحبتی نبود از قیمتی و ارزانی، زندگی انسان کاملاً بود مجانی و یک تکه نان را قیمت گذاشته بودند یک هزار افغانی.

پس در چنان اوضاع و احوالی، خواهی نخواهی سگان کوچه گرد با بلعیدن تن بی جان یک انسان، همه دیوانه شده بودند، مگر تعدادی از انسان نماها را تناول گوشت و پوست و استخوان انسان، چه فربه ساخته بود و چه چاق و چله می نمودند و چه سرخ و سفید و چه چوچه و بچه می آوردند و چه شکم ها بزرگ و بزرگتر می شدند و چه کله ها خالی و خالی تر.

امروزه روز این سگان "ولگرد" یا (دیدو)، نه تنها در هرات، بلکه در کابل و جوزجان و در سرتاسر افغانستان، رو به افزایش اند، بلکه تعدادی هم با فرصتی که طیارات غولپیکر باری امریکائی فراهم آورده بودند، به اروپا و امریکا و افریقا و...، انتقال داده شدند، در آن قاره ها انجمن ها تشکیل دادند، نامه های سر بسته و سرکشاده به مقامات نوشتند، راهپیمائی کردند، اعتراض کردند، فریاد و فغان بلند کردند و به پای و پاچه هر کس و ناکسی حمله کردند، دندان گرفتند، و یا هم اگر با خشونت و دریدن نشد، کرنش کردند، دم جنبانند و قوله کشیدند و پا بوسیدند، تا مگر به نحوی کدام لقمه چرب و نرمی از گوشت آدم به چنگ آورند و...

در قدیم ندیم ها جهت کنترل این گونه سگان بی صاحب، چیزی به نام "گُله" می خوراندند تا بمیرند، ام من نمی دانم امروز با پیشرفت تکنالوژی و سازمانهای حمایت از حقوق حیوانات وحشی

و اهلی، چه تدابیری در مورد گرفته شده است و در کشور من و تو هموطن، برای جلوگیری از گسترش این سگان وحشی چه تدابیر باید اتخاذ نمود؟

مردم از این سگان دوری می‌گزینند، اما سگ که به گوشت آدم خو گرفته است، چپ و راست حمله میکند، دندان می‌گیرد، با چنگ و دندان پاره میکند و بالای یک لقمه گوشت آدم همدیگر را می‌درند و در نتیجه وحشت ایجاد میکنند و آرامش را برهم میزنند و باعث بروز امراض مدهش در بین انسانها می‌گردند که باید به نحوی جلو آنها گرفته شود.

در یک گزاشی دیگر چندی قبل خوانده بودم که شاروالی کابل این سگان را گرفتار می‌کند و بعد از معاینات طبی توسط داکتران متخصص حیوانات، در صورتیکه مریض یا دیوانه نباشند، آنها را خصی کرده و دوباره رها میکنند و...

و اما من نمی‌دانم که چاره اساسی چه است و چگونه می‌شود جلو این سگان کوچه گرد را برای همیشه گرفت تا دیگر درد سر و تشویشی برای مردم خلق نکنند و نیز شهر و بازار پاک و پاکیزه گردد.

بگذار شهر پاکیزه گردد

بگذار هموطن دمی آسوده گردد

بگذار من و تو، ما شویم، خنده به لبها شویم

بگذار آرزوی هر رویا شویم

بگذار دمی آسوده و آزاده و سرور و سردار شویم

بگذار صاحب دلبر و دلدار شویم

من نمی‌گویم که طالب باش

یا به هر کاری که هستی غالب باش

فقط ای جان آدم باش

بگذار نفیر تفنگ‌ها خاموش گردند،

بگذار درد‌ها هرچه است، فراموش گردند

"روز از نو، روزی از نو"

جنگ دیگر بس است

جفنگ ديگر بس است

ما هم آخر انسانيم

ما و تو آخر يك افغانيم

" چه کسی می خواهد

من و تو ما نشویم

خانه اش ویران باد

من اگر ما نشوم، تنهائیم

تو اگر ما نشوی

خوبشنتی

از کجا که من و تو

شور یکپارچگی را در شرق

باز برپا نکنیم

از کجا که من و تو

مشت رسوایان را و نکنیم

من اگر برخیزم

تو اگر برخیزی

همه برمی خیزند

من اگر بنشینم

تو اگر بنشینی

چه کسی برخیزد؟

چه کسی با دشمن بستیزد؟" حمید مصدق